

## میمونه دختر سعید

کنیز آزاد کرده و وابسته رسول خداست.

عبدالله بن موسی و فضل بن دکین هر دو از اسرائیل از زید بن جئیر از ابوزید ضبّی از گفته میمونه دختر سعید ما را خبر داد که می گفته است \* از رسول خدا مسئله پرسیدند که اگر مرد روزه دار همسر روزه دار خود را ببوسد چگونه است؟ فرمودند افطار کرده است، و نیز از آن حضرت درباره زنازاده پرسیدند، فرمودند هیچ خیری در او نیست برای من یک جفت نعلین که با آن در راه خدا جهاد کنم بهتر از این است که برده زنازاده‌یی را آزاد سازم. موسی بن مسعود از عکرمه بن عمار از طارق بن قاسم بن عبدالرحمان از میمونه وابسته و آزاد کرده رسول خدا ما را خبر داد که می گفته است \* پیامبر فرمودند ای میمونه! از عذاب گور به خدا پناه ببر. گفتم ای رسول خدا فشار و عذاب گور حق است؟ فرمود ای میمونه آری و از عذابهای دشوار به روز رستخیز غیبت کردن و پرهیز نکردن از ترشحات ادرار است.

## أم حصین اَحمسی

عبدالله بن موسی از اسرائیل از ابواسحاق از یحیی نوه أم حصین از گفته مادر بزرگش أم حصین ما را خبر داد که می گفته است \* در مینی پیامبر (ص) را دیدم که جامه‌های خود را استوار پوشیده بود و درحالی که عضله بازوی آن حضرت می لرزید برای مردم سخنرانی می کرد و ضمن آن می فرمود «ای مردم از خدا بترسید و گوش به فرمانش دهید و فرمان بردار باشید و اگر برده‌یی حبشی بر شما امیر شد تا هنگامی که فرمانهای کتاب خدا را برپا می دارد - به آن عمل می کند - فرمان بردارش باشید و به گفته اش گوش فرا دهید».

حسن بن موسی، از زهیر، از ابواسحاق، از یحیی بن حصین از مادر بزرگش ام حصین ما را خبر داد که می گفته است \* درحالی که حصین در دامن من بود پیامبر (ص) را که بر ناقه خود سوار بود دیدم که خطاب به مردم می فرمود «ای مردم! از خدا پرهیز کنید و از هر کس که به امیری بر شما گماشته شود هر چند برده‌یی بینی بریده حبشی باشد تا هنگامی که احکام

کتاب خدا را میان شما برپا می‌دارد فرمان برید و به او گوش فرا دهید» گوید در آن حال پیامبر بخشی از جامهٔ احرام خود را از زیر بغل خود برگردانده و به شانهٔ دیگر افکنده بود. حسن بن موسی راوی این خبر می‌گوید زهیر ضمن نقل این روایت با دست خود چگونگی جامه را انجام می‌داد.

فضل بن دکین و محمد بن عبدالله اسدی و ابوقطن عمرو بن هشم هر سه از یونس بن ابی اسحاق از غیرار بن حرث ما را خبر دادند که می‌گفته است: \* از ام حصین احمسی شنیدم که می‌گفت در حجة الوداع رسول خدا را دیدم که جامهٔ احرام خویش را از زیر بغل برگردانده بود و عضلهٔ بازوی آن حضرت را می‌دیدم که می‌لرزید و می‌فرمود «ای مردم از خدا بترسید و اگر برده‌یی حبشی و بینی بریده بر شما امیر شد تا هرگاه که احکام کتاب خدا را برای شما انجام می‌دهد فرمان بردارش باشید و سخنش را پذیرا».

### أم جُنْدَبِ از دِیَةِ

او مادر سلیم بن عمرو بن احوص است. اسلام آورده و بار رسول خدا بیعت و از آن حضرت روایت کرده است.

عبدالله بن ادریس از یزید بن ابی زیاد، از سلیمان بن عمرو بن احوص از مادرش ما را خبر داد که می‌گفته است: \* پیامبر (ص) را در حال رمی جمرات دیده است که از همان کف دره هفت سنگ ریزه کوچک رمی کرده و می‌فرموده است ای مردم! برخی از شما برخی را نکشد. می‌گوید در آن حال مردی پشت سر آن حضرت ایستاده بود و او را از برخورد ریگهایی که دیگران رمی می‌کردند حفظ می‌کرد پرسیدم این کیست؟ گفتند عباس بن عبدالمطلب است. پیامبر (ص) پس از رمی جمره برگشت و در این هنگام زنی پیش آن حضرت آمد و گفت ای رسول خدا پسر من که تنها فرزند من است بیمار است. فرمود برای من از میان این خیمه‌ها اندکی آب بیاور، آن زن در کاسه‌یی سنگی برای ایشان آب آورد، پیامبر اندکی از آن نوشید و در آن مضمضه کرد و فرمود از خداوند درمان او را مسئلت کن و این آب را به او بیاشامان، آن زن چنان کرد و پسرش بهبود یافت.

فضل بن دکین، از مندل از یزید بن ابی زیاد از سلیمان بن عمرو بن احوص از مادرش ام جندب ما را خبر داد که می‌گفته است: \* رسول خدا (ص) را دیدم در حالی که سوار بر استر

خود بود رمی جمره کرد پشت سر ایشان کسی سوار بود که آن حضرت را از برخورد ریگهای دیگران حفظ کند، پرسیدم اینکه پشت سر پیامبر است کیست؟ گفتند فضل پسر عباس است. در همان حال شنیدم که رسول خدا می فرمود ای مردم بر شما باد که به هنگام رمی آرامش داشته باشید و با ریگهای کوچک به اندازه سر انگشت رمی کنید.

یزید بن هارون از حجاج از یزید آزاد کرده و وابسته عبدالله بن حارث از عبدالله بن حارث از أم جندب ازدی ما را خبر داد که می گفته است \* رسول خدا فرموده است «ای مردم! به هنگام رمی جمرات خود را به کشتن مدهید و بر شما باد که با ریگهای کوچک چون سر انگشت رمی کنید».

### أم حکیم دختر وداع خزاعی

اسلام آورده و از پیامبر (ص) چند حدیثی روایت کرده است.

موسی بن اسماعیل از حبابه دختر عجلان خزاعی، از مادرش، از ام حفص دختر جریر از ام حکیم دختر وداع ما را خبر داد که می گفته است \* به پیامبر گفتم پاداش دادن توانگر از سوی درویش چگونه است؟ فرمود خیرخواهی و دعا کردن.

از ام حکیم با همین سلسله اسناد چند حدیث دیگر هم از رسول خدا روایت شده است.

### أم مسلم اشجعی

مسلمان شده و از پیامبر (ص) یک حدیث روایت کرده است.

قیصه بن عقبه از سفیان، از حبیب، از مردی از گفته ام مسلم اشجعی ما را خبر داد که می گفته است \* در حالی که در خیمه چرمی خود بودم پیامبر (ص) پیش من آمد و فرمود چه نیکو خیمه‌یی است اگر از چرم گوسپندان مرده - بدون ذبح شرعی - نباشد، ام مسلم گوید از آن پس در پی فراهم آوردن خیمه‌های چرمی بودم.

## اُم کَبْشَة

او بانویی از قبیله قضاعه است که مسلمان شده و حدیثی از رسول خدا روایت کرده است. عبدالله بن محمد بن ابی شیبه از حُمَید بن عبدالرحمان رُوَاسی از حسین بن صالح از اسود بن قیس از سعید بن عمرو از ام کَبْشَة که زنی از قبیله قضاعه است ما را خبر داد که می‌گفته است: \* از رسول خدا اجازه خواستم تا همراه ایشان به جنگ بروم، فرمود نه. گفتم ای رسول خدا زخمی‌ها را مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنم، رسول خدا فرمود بنشین و بر جای آرام بگیر مردم نگویند محمد همراه زنان به جنگ می‌آید.

## اُم سائب

محضر رسول خدا را درک کرده و مسلمان شده است. شبابه بن سوار از مغیره بن مُسلم از ابوزبیر از جابر ما را خبر داد که می‌گفته است: \* پیامبر (ص) به دیدن ام سائب رفت که می‌لرزید - از این پهلو به آن پهلو می‌شد - فرمودند تو را چه می‌شود، دردت چیست؟ گفت تب است تب که خدایش زیون سازد. پیامبر فرمودند خاموش باش تب را دشنام مده که گناهان و خطاهای مسلمانان را از میان می‌برد همانگونه که کوره آتش آلودگی‌های آهن را می‌زداید.

## قُتَيْلَة دختر صیفی جُهَنی

مسلمان شده است و از پیامبر (ص) حدیثی نقل می‌کند. وکیع بن جراح و محمد بن عبید هر دو از مسعودی، از معبد بن خالد از عبدالله بن یسار از قتیلَه دختر صیفی ما را خبر داد که می‌گفته است: \* یکی از دانشمندان یهودی به حضور پیامبر (ص) آمد و گفت ای محمد! شما چه قوم خوبی هستید اگر به خدا شرک نوزید، پیامبر پرسید چگونه شرک می‌ورزیم؟ گفت کسی از شما می‌گوید نه سوگند به کعبه، پیامبر فرمود آن شخص حنان گفته است ولی هر کس که سوگند می‌خورد باید به

خدای کعبه سوگند خورد. آن مرد گفت و شما ای محمد! چه مردم خوبی هستید اگر برای خدا همتا و مانندی قرار ندهید. رسول خدا پرسید این چگونه است؟ گفت گاه کسی از شما می گوید هرچه او بخواهد و من بخواهم، پیامبر فرمودند اگر او چنین گفته است توجه نداشته است و هر کس از شما می گوید باید بگوید آنچه خداوند می خواهد و سپس آنچه من می خواهم.

### سلامة دختر حُرّ

مسلمان شده و از رسول خدا حدیثی نقل کرده است.

وکیع بن جراح از ام غراب از زنی به نام عقیله از سلامه دختر حُرّ ما را خبر داد که می گفته است: \* از پیامبر (ص) شنیدم می فرمود «روزگاری برای مردم فرا می رسد که یک ساعت برپای می ایستند و امامی نمی یابند که با ایشان نماز بگزارد.

### بُسیره مادر بزرگ حُمیضة دختر یاسر

مسلمان شد و بیعت کرد و از پیامبر (ص) حدیثی را نقل کرده است.

محمد بن بشر عبدی، از هانی بن عثمان از مادرش حمیضة دختر یاسر از گفته مادر بزرگش بُسیره که یکی از بانوان مهاجر بود ما را خبر داد که می گفته است: \* رسول خدا (ص) ما را فرمود که ای زنان مؤمن بر شما باد به لا اله الا الله گفتن و سبحان الله گفتن و تقدیس حق تعالی و مبادا غافل شوید و رحمت خدا را فراموش کنید و انگشتک بزنید و بدانید که به رستخیز این انگشتان زبان می گشایند و درباره آنها از خودشان پرسیده می شود.

### سراء دختر بنهان غنوی

اسلام آورده و از پیامبر (ص) حدیثهایی نقل کرده است.

ابوعاصم ضحاک بن مخلد از ربیعة بن عبدالرحمان غنوی ما را خبر داد که می گفته است: \* مادر بزرگم سراء دختر بنهان که در روزگار جاهلی سرپرست یکی از بتخانه ها - یا

خانه‌های عمومی روسپیان - بود برایم نقل کرد و گفت به روزی که مردم به آن روز سرهای قربانی می‌گویند و روز پس از عید قربان است شنیدم که پیامبر (ص) از مردم پرسید امروز چه روزی است؟ گفتند خدا و پیامبرش داناترند، فرمود امروز روز میانی روزهای تشریق است، سپس رسول خدا از مردم پرسید آیا می‌دانید این چه سرزمینی است؟ گفتند خدا و پیامبرش داناترند، فرمود این جا مشعر الحرام است، سپس به علی (ع) فرمود «پس از امسال دیگر شما را دیدار نمی‌کنم، هان! که مالها و خونها و آبروهای شما در حرمت و احترام مانند همین امروز و همین شهر شماست. و این سخن را کسانی که این جایید و نزدیک هستید به آنان که دورند برسانند و این حکم تا هنگام مرگ شما و دیدار خداوندتان بر قوت خود باقی است و حضرت پروردگار از کردارهای شما خواهد پرسید.

سَرَّاء می‌گفته است پیامبر (ص) به مدینه برگشت و چند روزی بیشتر درنگ نفرمود و درگذشت درودها و رحمت و برکتهای خدا بر او باد.

احمد بن حارث غَسَّانِی بصری، از ساکنه دختر جعد غنوی ما را خبر داد که می‌گفته است: \* از سَرَّاء دختر نبهان غنوی شنیدم که می‌گفت به روزگار جاهلی سرپرست خانه‌یی بودم.

گویید، از سَرَّاء چند حدیث دیگر هم با همین اسناد روایت شده است.

## رُزِينَةُ

خدمتکار رسول خدا (ص) بوده که مسلمان شده و از رسول خدا (ص) چند روایت نقل کرده است.

مُسلم بن ابراهیم، از عُلَيْلَةَ دختر کُمیت عتکی، از مادرش امینه از امه‌الله دختر رزینه از خود رزینه که خدمتکار رسول خدا بوده است ما را خبر داد که حدیثهایی درباره‌ی روزه روز عاشورا و درباره‌ی دَجَّال و جز آن نقل می‌کرده است.

## قِيلَةُ

مادر پیامبر است، از نامها (ص) حدیث نقل کرده است.

اسماعیل بن خالد سکری، از یعلی بن شیب مکی اسدی که از آزادکردگان و وابستگان خاندان اسد قریش است، از عبدالله بن خثیم قاری از خود قبیله مادر پسران انمار ما را خبر داد که می‌گفته است: «در یکی از عمره‌های رسول خدا، آن حضرت برای تقصیر و بیرون آمدن از احرام به محل مروه آمدند، من درحالی که بر عصای خود تکیه داده بودم عصازنان به حضورش رفتم و کنار ایشان نشستم و گفتم ای رسول خدا! من زنی هستم که خرید و فروش می‌کنم، گاهی کالایی می‌خرم و نخست کمتر از آنچه می‌خواهم و باید بدهم پرداخت می‌کنم و سپس اندک‌اندک بر آن می‌افزایم تا به همان اندازه که می‌خواهم می‌رسد و گاهی که می‌خواهم کالایی بفروشم نخست آن را فراتر از قیمتی که باید بدهم می‌گویم و سپس اندک‌اندک از بهای آن می‌کاهم و سرانجام به همان قیمت که می‌خواهم می‌فروشم، پیامبر فرمودند ای قبیله چنین مکن - نه چانه بزن نه قیمت را بالاتر بگو - وقتی می‌خواهی چیزی بخری از همان آغاز قیمتی را که می‌خواهی پردازای پیشنهاد کن چه بپذیرند و چه نپذیرند و هنگامی که چیزی را می‌فروشی از همان آغاز قیمت قطعی را بگو چه بخرند و چه بخرند.

## قبیله

دختر مخرمه تمیمی است، او همسر حبیب بن ازهر از خاندان خباب بوده است و برای او چند دختر آورده است. حبیب بن ازهر در آغاز اسلام درگذشت. دختران قبیله را عمویشان اثوب بن ازهر از قبیله گرفت. قبیله از سرزمین خود برای پیوستن به محضر پیامبر بیرون آمد و با حرث بن حاسن شیبانی نماینده قبیله بکر بن وائل که آهنگ سفر به حضور پیامبر داشت همسفر شد و همراه او به حضور پیامبر رسید و از آن حضرت مسئله پرسید و روایاتی شنید و همراه ایشان نماز گزارد، این مطالب را عبدالله بن حسان عنبری درباره قبیله گفته است. قبیله را پسری به نام حزام بوده است. قبیله می‌گفته است که او در جنگ ربنده همراه پیامبر شرکت و جنگ کرده است و سپس برای آوردن خواروبار به خیبر رفته و گرفتار تب آن سرزمین شده و درگذشته است و چند دختر از خود باقی گذاشته است.

## عمه عاص بن عمرو طُفاوی

از پیامبر (ص) یک حدیث روایت کرده است.

معلی بن اسد عَمّی، از ابوسهیل تمام بن بُزَیع، از عاص بن عمرو طُفاوی ما را خبر داد که می‌گفته است \* از عمه‌ام شنیدم که همراه تنی چند از زنان قوم خود به محضر پیامبر رفته و گفته است، ای رسول خدا برای من حدیثی بگویند که خداوند مرا به آن سود رساند، گوید آن حضرت سه بار فرمودند از آنچه گوش شنیدنش را خوش نمی‌دارد پرهیز.

### ام ولد — کنیز فرزندان — شبیه

فضل بن دکین، از هشام دستوائی، از بدیل از صفیه دختر شبیه از گفته همان کنیز فرزندان شبیه ما را خبر داد که می‌گفته است \* رسول خدا (ص) را در حال سعی میان صفا و مروه دیده است و آن حضرت در آن حال می‌فرمود، بخش ابطح را فقط باید با حالت دویدن طی کرد.<sup>۱</sup>

حجاج بن نصیر از محمد بن ذکوان جهضمی، از بدیل بن میسرة عقیلی، از صفیه دختر عثمان ما را خبر داد که می‌گفته است \* من در دهلیز خانه ابو حسین ایستاده بودم و به رسول خدا که در حال سعی میان صفا و مروه بود می‌نگریستم، ازار آن حضرت چنان بالا رفته بود که زانوهایش را می‌دیدم و می‌فرمود بخش وادی را فقط باید با حالت دویدن طی کرد، سعی و راه رفتن معمولی در دل مسیل خواهد بود.

### خُلیده دختر قیس

بن خالد بن اشجع از خاندان دهمان است، او را براء بن معرور که از خاندان سلمة و یکی از نقیبان دوازده گانه انصار است به همسری گرفت و خلیده برای او بشر بن براء را زایید، بشر

۱. این مسئله مربوط به هروله کردن میان صفا و مروه است و برای آنگهی بیشتر باید به کتابهای مفصل مناسک حج مراجعه کرد.



در جنگ بدر شرکت کرد. او همان کسی است که همراه رسول خدا (ص) از گوشت مسموم آن بزغاله خورده است. خلیده مادر بشر بن براء مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد و از ایشان روایت نقل کرده است.

محمد بن عمر واقدی، از اقلح بن سعید مزنی، از عاصم بن عمر بن قتادة از محمود بن لبید، از خلیده مادر بشر بن براء ما را خبر داد که می گفته است \* از پیامبر (ص) پرسیده است که آیا مردگان یکدیگر را می شناسند؟ پیامبر فرموده اند دستهای خاک آلود مباد یا فرموده اند بر پیشانی تو نشان سجده آشکار باد نفسهای پاک و پسندیده در بهشت پرندگان سبزی خواهند بود همانگونه که پرندگان بر فراز شاخسارها یکدیگر را می شناسند آنان هم یکدیگر را می شناسند.

اسماعیل بن عبدالله بن خالد سکری، از محمد بن سلمة، از محمد بن اسحاق از ابن ابی نجیح از مجاهد از مادر بشر بن براء بن معرور ما را خبر داد که می گفته است \* شنیدم پیامبر (ص) به یاران خود می فرمود «آیا شما را از بهترین مردم خبر بدهم؟» گفتند آری، مادر بشر می گوید در این هنگام پیامبر (ص) با دست خویش به سوی باختر اشاره کرد و فرمود «مردی است که لگام اسب خود را در دست گرفته و منتظر است که حمله کند یا بر او حمله آورند، آیا اینک به بهترین کس پس از او شما را خبر بدهم؟» گفتند آری ای رسول خدا! گوید در این هنگام رسول خدا با دست به سوی حجاز اشاره کرد و فرمود «کسی که میان گوسپندان - دامهای - خود باشد نماز را برپا دارد و زکات را پردازد و حق خدا را در اموال خود بداند و از مردم شرور کناره گیرد».

محمد بن عمر واقدی ما را خبر داد و گفت معمر و مالک از زُهری از عروه از عایشه مرا خبر دادند که می گفته است مادر بشر بن براء معرور در بیماری مرگ رسول خدا به حضور ایشان آمد و دست آن حضرت را که تب داشت دست کشید و گفت ای رسول خدا! چنین تبی بر هیچکس ندیده ام، پیامبر فرمودند همانگونه که پاداش ما دوبرابر است بلا هم بر ما افزون است، مردم چه می گویند؟ گوید به رسول خدا گفتم مردم می پندارند که رسول خدا گرفتار ذات الجنب هستند. فرمود آن بیماری از ریشخندهای شیطان است و خداوند مرا گرفتار آن نمی فرماید، و این درد در پی همان لقمه زهر آلودی است که در خیبر من و پسرت از آن خوردیم و همواره از همان بیمار می شوم تا کار به این جا رسید و بریدن رگ دلم فرا رسیده است، و بدینگونه رسول خدا شهید در گذشته است.

اسامی زنان مسلمان و بیعت‌کننده قبیله اؤس انصار، از خاندان  
عبدالاشهل بن جشم بن حارث بن خزرج بن عمرو، که او  
همان نیت پسر مالک پسر اؤس است

## رباب

دختر نعمان بن امرؤالقیس بن زید بن عبدالاشهل، مادرش معاذه دختر انس بن قیس بن عبید  
بن زید بن معاویه بن مالک بن نجار است که خاندان حُدَیله‌اند.

این رباب دختر نعمان عمه سعد بن معاذ است، رباب را نخست زراره بن عمرو بن  
عدی بن حارث بن مرة بن کعب که همان ظفر بن خزرج بن عمرو است و او همان نیت است  
که پسر مالک بن اوس بوده است به همسری گرفت و رباب برای او معاذ پسر زراره را  
زایید، این معاذ پدر ابونمله است که از اصحاب رسول خدا بوده است، پس از آن رباب را  
معروور پسر صخر پسر خنساء پسر سنان پسر عبید، پسر عدی پسر غنم پسر کعب پسر سلمه  
که از قبیله خزرج بود به همسری گرفت و رباب برای معروور پسری به نام براء آورد و این  
براء یکی از نقیبان دوازده گانه انصار است، براء بن معروور پیش از آنکه رسول خدا برای  
هجرت به مدینه بیایند درگذشت، پیامبر (ص) کنار گور او آمد و بر او نماز گزارد - برای او  
آمرزش خواهی فرمود.

رباب دختر نعمان اسلام آورد و با رسول خدا بیعت کرد.

## عقرب

دختر معاذ بن نعمان بن امرؤالقیس بن زید بن عبدالاشهل است، مادر او کبشه دختر رافع بن  
معاویه بن عبید بن ابجر است که این همان خُدرة بن عوف بن حارث بن خزرج است.<sup>۱</sup>

۱. شرح حال مادر سعد در فصل بعد ضمن بانوان قبیله خزرج خواهد آمد.

عقرب خواهر پدر و مادری سعد بن معاذ است، عقرب را یزید بن کرز بن زعوراء بن عبدالاشهل به همسری گرفت و عقرب برای او دو پسر به نامهای رافع و حواء<sup>۱</sup> آورد. سپس قیس بن خطیم بن عدی بن عمرو بن سواد بن ظفر عقرب را به همسری گرفت و عقرب برای او یزید را زاید و کنیه قیس به نام همین پسرش ابویزید بوده است. همچنین پسر دیگری به نام ثابت برای او آورد، یزید بن قیس در جنگ پُل ابوعبید<sup>۲</sup> کشته شد، عقرب مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

### هند

دختر سماک بن عتیک بن امرؤالقیس بن زید بن عبدالاشهل، مادرش ام جندب دختر رفاعه بن زَنْبَر بن زید بن مالک بن عوف بن عمرو بن عوف از قبیله اوس است. هند عمه اُسید بن حَضیر بن سماک بن عتیک است، هند را سعد بن معاذ بن نعمان بن امرؤالقیس بن زید بن عبدالاشهل به همسری گرفت و هند برای او دو پسر به نام عمرو و عبدالله آورد، هند پس از سعد بن معاذ همسر اوس بن معاذ بن نعمان برادر سعد شد و برای او حارث بن اوس را آورد که در جنگ بدر شرکت کرد، هند مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

### أمامة

دختر سماک، خواهر پدر و مادری هند و عمه اُسید بن حَضیر است. امامه را شریک بن انس بن نافع بن امرؤالقیس به همسری گرفت و امامه برای او پسری به نام عبدالله و سه دختر به نامهای اُم صَخْر و اُم سلیمان و حبیبه آورد، امامه مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

۱. می بیند که حواء نام مشترک میان زن و مرد است.

۲. این جنگ در آغاز خلافت عمر بن خطاب میان اعراب و ایرانیان صورت گرفته است. به ترجمه نهایة الارب، ج ۴،

## خَوَاء

دختر رافع بن امرؤ القیس بن زید بن عبدالاشهل، محمد بن عمر واقدی تبار او را همینگونه نوشته و او را از بیعت کنندگان شمرده است. ما برای رافع بن امرؤ القیس در میان انساب انصار فقط یک دختر به نام صعبه می‌شناسیم، مادر حواء خزیمه دختر عدی بن عبس بن حرام بن جنذب از خاندان عدی بن نجار است، صعبه خواهر ابو حَیْسَر انس بن رافع بن امرؤ القیس بن زید بن عبدالاشهل است - لابد برادر پدری بوده است.

## أُمّ ایاس

دختر انس بن رافع بن امرؤ القیس بن زید بن عبدالاشهل است. مادرش ام شریک دختر خالد بن خنیس بن لوذان بن عبدود بن زید بن ثعلبة بن خزرج بن ساعده است. ام ایاس را ابوسعید پسر طلحة بن ابی طلحة از خاندان عبدالدار پسر قصی به همسری گرفت، ام ایاس مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

## ام حکیم

نامش وُدّه و دختر عقبه بن رافع بن امرؤ القیس بن زید بن عبدالاشهل است. مادرش ام البنین دختر حدیفة بن ربیعة بن سالم بن معاویه بن ضرار بن ذبیان از خاندان سلامان بن سعد و از قبیله قضاعه است.

ام حکیم عمه محمود بن لبید بن عقبه است، ام حکم را قیس بن مخرمه بن مطلب بن عبد مناف بن قصی به همسری گرفت و ام حکیم برای او فرزند آورد، ام حکیم مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

## أم سعد

دختر عقبه بن رافع بن امروالقیس بن زید بن عبدالاشهل و مادرش سلمی دختر عمرو بن خنیس بن لوزان بن عبدود بن زید از خاندان ساعده است. او هم عمه محمود بن لبید است، پس از مرگ خواهرش وده، شوهر خواهرش قیس بن مخرمه او را به همسری گرفت، ام سعد مسلمان شد و با رسول خدا بیعت کرد.

## خولة

خواهر پدر و مادری ام سعد و عمه محمود بن لبید است، خوله را حارث بن صمّه بن عتیک که از خاندان عمرو بن مبذول از دودمان مالک بن نجار است به همسری گرفت و خوله برای او پسری به نام سعد آورد، سپس عبدالله بن قتاده بن نعمان بن زید بن عامر بن سواد بن ظنر که از قبیله اوس است خوله را به همسری گرفت و خوله برای او پسری به نام عمرو آورد. خوله دختر عقبه مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

## عمیره

دختر یزید بن سکن بن رافع بن امروالقیس بن زید بن عبدالاشهل و مادرش ام سعد دختر خزیم بن مسعود بن قلع بن حریش بن عبدالاشهل است. عمیره را منظور بن لبید بن عقبه بن رافع بن امروالقیس بن زید بن عبدالاشهل به همسری گرفت و عمیره برای او حارث و عثیره را زایید، عمیره مسلمان شد و با رسول خدا بیعت کرد.

## أم عامر اشهلی

نامش فکیه و به گفته برخی اسماء و دختر یزید بن سکن بن رافع بن امروالقیس بن زید بن

عبدالاشهل است و مادرش ام سعد دختر خُزَیم بن مسعود بن قلع بن حریش بن عبدالاشهل است. ام عامر مسلمان شد و با رسول خدا (ص) بیعت و از آن حضرت چند حدیث روایت کرده است. او در پاره‌یی از جنگها همراه پیامبر بوده است.

اسماعیل بن عبدالله بن ابی اویس، از ابراهیم بن اسماعیل بن ابی حبیبه، از عبدالرحمان بن عبدالرحمان بن ثابت بن صامت انصاری، از گفته خود ام عامر دختر یزید بن سکن که از بانوان بیعت‌کننده با رسول خدا بوده است ما را خبر داد که می‌گفته است \* هنگامی که رسول خدا در مسجد محله عبدالاشهل بوده‌اند برای ایشان پاره گوشتی پخته که به استخوان چسبیده بوده برده است و آن حضرت گوشت را از استخوان باز کرده و خورده‌اند و سپس بدون آنکه وضو بگیرند برخاسته‌اند و نماز گزارده‌اند.<sup>۱</sup>

محمد بن عمر واقدی، از ابراهیم بن اسماعیل بن ابی حبیبه، از عبدالله بن ابی سفیان از پدرش ما را خبر داد که می‌گفته است \* از ام عامر اشهلی که با رسول خدا بیعت کرده بود شنیدم که می‌گفت هرگاه پیامبر (ص) به خانه‌های ما می‌نگریست یا بر آن خانه‌ها مشرف می‌شد می‌فرمود «چه خیری در این خانه‌ها نهفته است، این‌ها بهترین خانه‌های انصار است».

محمد بن عمر واقدی، از ابراهیم بن اسماعیل بن ابی حبیبه، از داود بن حصین، از ابوسفیان، از خود ام عامر اسماء دختر یزید بن سکن ما را خبر داد که می‌گفته است \* پیامبر (ص) را دیدم که در مسجد محله ما نماز مغرب گزاردند، من به خانه خود برگشتم پاره گوشتی پخته که به استخوان چسبیده بود و چند گرده نان به حضورش بردم و گفتم پدر و مادرم فدای تو باد، شام بخور، آن حضرت خطاب به یاران خود که چهل مرد بودند فرمود «به نام خدا بخورید» خود پیامبر و یارانش و کسانی که در خانه بودند همگی از آن غذا خوردند، سوگند به کسی که جانم در دست اوست دیدم که هنوز اندکی از گوشت بر استخوان و تمام نانها باقی مانده است، سپس آن حضرت از مشک آبی که در خانه‌ام بود آب نوشید و برگشت، من آن مشک را از برون چرب و جمع کردم و به بیماران از آن آب می‌نوشانیدیم و گاهی به امید خیر و برکت خود از آن آب می‌نوشیدیم.

واقدی در پی سخن خود افزود که این نوع مشک را از پایین وصله می‌زده و می‌دوخته‌اند و پس از کهنه‌شدن سر مشک را می‌بریده‌اند و شبیه دلوهای بسیار بزرگ بوده

۱. برخی می‌پنداشته‌اند که دست زدن به گوشت پخته مبطل وضو است و نقل این روایات برای رد کردن آن باور است.

است و نیز افزوده است که امّ عامر اشهلی در جنگ خیبر همراه رسول خدا بوده است. فضل بن دکین از سفیان بن عینه، از عبدالله بن عبدالرحمان بن ابی حسین از شهر بن حوشب از خود ام عامر ما را خبر داد که می‌گفته است: \* پیامبر (ص) از کنار من که همراه گروهی از بانوان بودم عبور فرمود و بر ما سلام داد که پاسخ سلامش را دادیم. خالد بن مخلد بجلی از ابراهیم بن اسماعیل بن ابی حبیبه ما را خبر داد که می‌گفته است: \* از عبدالرحمان بن عبدالرحمان بن ثابت انصاری شنیدم که می‌گفت ام عامر دختر یزید که از بانوان بیعت‌کننده بود پاره گوشت پخته‌یی که به استخوان چسبیده بود به حضور پیامبر (ص) آورد و آن حضرت گوشتها را از استخوان باز کرد و خورد و بدون اینکه وضو بگیرد برخاست و نماز گزارد.

## رباب

دختر کعب بن عدی بن عبدالاشهل، او را الیمان پسر جابر عبّسی که هم‌پیمان خاندان عبدالاشهل بود به همسری گرفت و رباب برای او پسرانی به نامهای حدیفه و سعد و صفوان و مدلج و دختری به نام لیلی آورد، رباب دختر کعب مسلمان شد و با پیامبر بیعت کرد.

## ام نیار

دختر زید بن مالک بن عدی بن کعب بن عبدالاشهل، او خواهر سعد بن زید اشهلی است که هم از شرکت‌کنندگان در بیعت عقبه است و هم از شرکت‌کنندگان در جنگ بدر، واقدی تبار ام نیار را همینگونه آورده و او را در زمره بانوان بیعت‌کننده نام برده است. ولی ما در کتاب نسب انصار چیزی درباره‌اش نیافتیم.

## امّ عمرو

دختر سلامه بن وقش بن زغبه بن زعوراء بن عبدالاشهل، مادرش سلمی دختر سلمه بن خالد بن عدی بن مجدعه بن حارثه است، او خواهر پدر و مادری سلمه بن سلامه بن وقش است

که از شرکت کنندگان در بیعت عقبه و جنگ بدر است.

ام عمرو را محمد بن مسلمة بن سلمة بن خالد بن عدی بن مجدعة بن حارثه به همسری گرفت و ام عمرو برای او فرزند آورد، ام عمرو دختر سلامه مسلمان شد و با رسول خدا بیعت کرد.

## نائله

دختر سلامه - خواهر پدری سلمه و ام عمرو - مادرش ام عمرو دختر عتیک بن عمرو بن عبدالاعلم بن عامر بن زعوراء بن چشم برادر عبدالاشهل بن جشم است، نائله را عبدالله بن سماک بن عمرو بن غزیه که از قبیله غسان و هم پیمان خاندان معاویه بن مالک از قبیله اوس بوده است گرفت و برای او فرزند آورد، سپس قیس بن کعب بن قین بن کعب بن سواد از خاندان سلمه او را به همسری گرفت و امامه پسری به نام سهل برای او زایید که در جنگ احد شهید شد، نائله مسلمان شد و با پیامبر بیعت کرد.

## عقرب

دختر سلامه بن وقش بن زُعبه بن زعوراء بن عبدالاشهل، مادرش سُهیمه دختر عبدالله بن رفاعه بن نجدة بن نمیر از خاندان واقف اوس است، او خواهر پدری سلمة بن سلامه بن وقش است، عقرب را رافع بن یزید بن کرز بن زعوراء بن عبدالاشهل به همسری گرفت و عقرب برای او پسری به نام اسید زایید، عقرب اسلام آورد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

## مَحْیَاة

دختر سلکان بن سلامه بن وقش بن زُعبه بن زعوراء بن عبدالاشهل، مادرش ام سهل دختر رومی بن وقش بن زُعبه بن زعوراء بن عبدالاشهل است، به نقل و روایت عبدالله بن محمد بن عماره انصاری، محیاه مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

محمد بن عمر واقدی می گوید، او همان عبادة دختر ابونائله سلکان بن سلامه است و



سلکان جز یک دختر نداشته که نامش مورد اختلاف است.

## أم حنظلة

دختر رومی بن وقش بن زغبة بن زعوراء بن عبدالاشهل، مادرش شهیمه دختر عبدالله بن رفاعه بن نجده از خاندان نمیر و دودمان واقف قبیله اوس است، ام حنظله را ثعلبه پسر انس بن عدی بن زعوراء بن عبدالاشهل به همسری گرفت و از او فرزندان شد، به روایت محمد بن عمر واقدی ام حنظله مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

## ام سهل دختر رومی

خواهر پدر و مادری ام حنظله است، او را سلکان بن سلامه بن وقش بن زغبة بن زعوراء بن عبدالاشهل به همسری گرفت و از او فرزندان شد، ام سهل هم به روایت واقدی مسلمان شده و با رسول خدا بیعت کرده است.

## أمامة

دختر بشر بن وقش بن زغبة بن زعوراء بن عبدالاشهل، مادرش فاطمه دختر بشر بن عدی بن ابی غنم بن عوف بن عمرو بن عوف بن خزرج است، او خواهر عباد بن بشر است که در جنگ بدر و تمام جنگهای دیگر همراه پیامبر بوده و در جنگ یمامه شهید شده است.

أمامه را محمود بن مسلمة بن سلمة بن خالد بن عدی بن مجدعة بن حارثه از قبیله اوس به همسری گرفت و امامة برای او فرزند آورد.

واقدی گفته است که امامة مادر علی بن اسد بن عبید بن سعیه هدلی است و افزوده است که خاندان هدل از قریظه‌اند و تبار خود را از ایشان می‌دانند.

عبدالله بن محمد بن عماره هم می‌گوید، مادر علی بن اسد بن عبید بن سعیه هدلی، دختر سلامه بن وقش بن زغبة بن زعوراء بن عبدالاشهل است، امامه به گفته واقدی مسلمان شده و با پیامبر (ص) بیعت کرده است.

## حواء

دختر زید بن سکن بن کرز بن زعوراء بن عبدالاشهل، مادرش عقرب دختر معاذ بن نعمان بن امروالقیس بن زید بن عبدالاشهل است، حواء خواهر رافع بن یزید است که در جنگ بدر شرکت کرده است، حوا را قیس بن خطیم بن عدی بن عمرو بن سواد بن ظفر به همسری گرفت و حواء برای او ثابت را زایید، حواء پیش از هجرت رسول خدا و از دیرباز در مکه مسلمان شد و بیعت کرد و اسلامش پسندیده بود و این موضوع به آگهی پیامبر رسیده بود، او همان است که پیامبر (ص) به شوهرش قیس بن خطیم در باره‌اش سفارش به نیکی و خوشرفتاری فرمود، و چنان بود که قیس بن خطیم به بازار ذوالمجاز که از بازارهای مکه است آمده بود پیامبر به دیدار قیس رفت و او را به اسلام فراخواند و او را بر پذیرش اسلام تشویق فرمود، قیس گفت دعوت تو و آنچه که به آن فرامی‌خوانی بسیار نیکوست ولی اینک جنگ ما را از این اندیشه و سخن بازداشته است، رسول خدا او را با کنیه مورد خطاب قرار داد و اصرار کرد و فرمود «ای ابویزید تو را به سوی خدا فرامی‌خوانم» قیس همان پاسخ نخست را می‌داد، سپس فرمود، «ای ابویزید! مرا خبر رسیده است که از آن‌گاه که همسرت حواء از آیین تو دوری گزیده است با او بدرفتاری می‌کنی، از خدا بترس و حرمت مرا در آن باره پاس دار و متعرض او مشو». قیس گفت آری و با کمال میل، آنچه دوست می‌داری انجام می‌دهم و جز خیر بر او عرضه نخواهم داشت، گوید پیش از آن قیس نسبت به همسرش کمال بدرفتاری را داشت، پس از آنکه قیس به مدینه برگشت به همسر خود گفت ای حواء! با محمد (ص) پیامبر ملاقات کردم و از من خواست که حرمت او را در باره‌ات پاس دارم، و به خدا سوگند در تعهدی که برای او کرده‌ام وفادار می‌مانم، هرچه می‌خواهی انجام بده و سوگند به خدا که هرگز از من به تو آزاری نخواهد رسید. حواء اسلام خود را که پوشیده می‌داشت آشکار ساخت و قیس متعرض او نمی‌شد، در این باره به قیس اعتراض می‌کردند و می‌گفتند ای ابویزید! همسرت از آیین محمد (ص) پیروی می‌کند، پاسخ می‌داد آری ولی من برای محمد

تعهد کرده‌ام که نسبت به حواء بدرفتاری نکنم و حرمت محمد را درباره او پاس دارم.<sup>۱</sup>

### أمیه

دختر عمرو بن سهل بن معبد بن مخرمه بن قلع بن حریش بن عبدالاشهل، به گفته محمد بن عمر واقدی مسلمان شده و با پیامبر (ص) بیعت کرده است.

### هند

دختر سهل بن زید بن عامر بن عمرو بن جشم از مردم راتج است، عمرو بن جشم برادر عبدالاشهل است، به گفته واقدی هند مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

### مُنِکَة

دختر سهل بن زید بن عامر بن عمرو بن جشم، او همسر ابوالهیثم بن التیهان است و برای او فرزند آورده است، به نقل محمد بن عمر واقدی، منیکه مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

### صَعْبَة

دختر سهل بن زید بن عامر بن عمرو بن جشم، او هم به نقل محمد بن عمر واقدی مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

### أمیمة

دختر ابوالهیثم مالک بن التیهان بن مالک بن بلی قضاة، هم پیمان خاندان عبدالاشهل بن

۱. قیس از شاعران بزرگ مدینه است که حدود دو سال پیش از هجرت درگذشته است. او متمایل به اسلام بوده ولی مسلمان نشده است. به ابن سلام، طبقات الشعراء، ص ۵۲، و الاعلام، ج ۶، ص ۵۴ مراجعه فرمایید.

جُشَم است، مادرش ملیکه دختر سهل بن زید بن عامر بن عمرو بن جشم است، او هم به روایت واقدی مسلمان شده و با پیامبر (ص) بیعت کرده است.

## فاطمة

دختر الیمان و خواهر حذیفة بن الیمان عَبَسِي است، ایشان هم پیمانان خاندان عبدالاشهل هستند، او مسلمان شده و با رسول خدا بیعت کرده و از آن حضرت روایت کرده است.

ابو عامر عبدالملک بن عمرو عقدی از شعبه از حصین بن عبدالرحمان ما را خبر داد که می‌گفته است: \* از ابو عبیده بن حذیفة شنیده است که از گفته عمه خود فاطمه حدیث می‌کرده که می‌گفته است همراه گروهی از بانوان در بیماری ارتحال رسول خدا از آن حضرت عیادت کرده است و دیده است که مشکی آویخته است و آب آن قطره قطره بر بدن رسول خدا می‌چکد که شدت حرارت تب را تسکین دهد، گوید به ایشان عرض کردیم کاش دعا فرمایی که خداوند تب را از شما بردارد، فرمود پیامبران از همه مردم گرفتارتر و سخت‌آزمون‌ترند، سپس طبقه پس از ایشان و سپس طبقه بعد از آنان.<sup>۱</sup>

محمد بن عبدالله اسدی و قبیصة بن عتبة هر دو از سفیان از منصور از ربیع بن خراش از گفته بانویی از خواهر حذیفة ما را خبر داد که می‌گفته است: \* پیامبر (ص) برای ما سخنرانی کرد و ضمن آن چنین فرمود: «ای گروه بانوان! آیا نقره برای زیور شما بسنده نیست؟ همانا هر زنی از شما که زیور زر به کار برد و آن را - برای نامحرم - آشکار سازد در آن مورد عذاب خواهد شد.» گوید حذیفة چند خواهر داشت که پیامبر (ص) را درک کرده بودند. منصور می‌گوید این موضوع را برای مجاهد نقل کردم، گفت آری من آن بانوان را دیده بودم، یکی از ایشان - هر کدامشان - برای آستین بلند خود تکه و وصله بی درست کرده بود که دستبند و انگشترش را پوشیده می‌داشت.

۱. این حدیث در حدیث‌های دیگر و در بسیاری از منابع با اندک اختلاف لفظی آمده است. به کلمه بلاء در معجم المنیرین لالفاظ

## از بانوان خاندان حارثة بن خزرج که همان نبيت بن مالک بن اوس است

### أمامة

دختر خديج بن رافع بن عدی بن زید بن جُشم بن حارثة، خواهر رافع بن خديج است،  
واقدي این چنین گفته است.

### أمامة

دختر رافع، مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد. مادرش حلیمه دختر عروة بن مسعود بن  
سنان بن عامر بن عدی بن أمیة بن بیاضة از خاندان خزرج است، او را أسید بن ظهیر بن رافع  
بن عدی بن زید بن جشم بن حارثة از قبيلة اوس به همسری گرفت و امامه برای او دو پسر به  
نامهای ثابت و محمد و دو دختر به نامهای ام کلثوم و ام حسن زاید.

### عميرة

دختر ظهیر بن رافع بن عدی بن زید بن جُشم بن حارثة، مادرش فاطمه دختر بشر بن عدی بن  
أبی بن غنم بن عوف بن عمرو بن عوف از خاندان قَوْقُل قبيلة خزرج و هم پیمان خاندان  
عبدالاشهل است، او را مِرْبَع بن قیظی بن عمرو بن زید بن جشم بن حارثة از قبيلة اوس به  
همسری گرفت و عميرة برای او زید و صُرارة و عبدالرحمان و عبدالله را آورد که این دو  
پسر او در جنگ پل ابو عبید شهید شدند و نسلی از آن دو بر جای نمانده است، عمیره  
مسلمان شده و با پیامبر (ص) بیعت کرده است.

## لیلی

دختر نهیک بن یساف بن عدی بن زید بن چشم بن حارثه، مادرش ام عبدالله دختر اسلم بن حریش بن مجدعة بن حارثة بن حارث است، لیلی را سهل بن ربیع بن عمرو بن عدی بن زید بن چشم بن حارثه به همسری گرفت. لیلی مسلمان شده و با پیامبر (ص) بیعت کرده است.

## ثبته

بن عمرو بن زید بن چشم بن حارثه، مادرش سهله دختر امروالقیس بن کعب بن ی بن مجدعة بن حارثه است، او را اوس بن قیظی بن عمرو بن زید بن چشم بن همسری گرفت و ثبته فرزندان به نامهای عبدالله و کبانه و عرابه برای او آورد، حتر ربیع مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

## جمیله دختر صیفی

بن عمرو بن زید بن چشم بن حارثه، مادرش نوار دختر قیس بن لوزان بن ثعلبة بن عدی بن مجدعة بن حارثة بن حارث است، جمیله خواهر مادری غلبه پسر زید بن عمرو بن زید بن چشم بن حارثه است.

عتیک بن قیس بن همیشه بن حارث بن امیه بن معاویه از دودمان عمرو بن عوف جمیله را به همسری گرفت، جمیله مسلمان شد و با پیامبر (ص) بیعت کرد.

## أمیمه دختر عقبه

بن عمرو بن عدی بن زید بن چشم بن حارثه، مادرش ام عمیر دختر عمرو بن عدی از خاندان حنظله دودمان تمیم است، او را عتیک پسر نعمان بن عمرو که از فرزندان زادگان بن عدی است به همسری گرفت و آن زمان او همان عامر بن مالک بن نجار است، أمیمه

مسلمان شده و با رسول خدا بیعت کرده است.

## أم عامر دختر سلیم

بن ضُبَع بن عامر بن مجدعة بن چشم بن حارثه است. نام اصلی او حَبَّابَة و مادرش سعاد دختر عامر بن عدی بن چشم بن مجدعة بن حارثه است، او را اُسَید بن ساعدة بن عامر بن عدی<sup>۱</sup> بن چشم بن مجدعه به همسری گرفته است، و أم عامر برای او یزید را آورد، به نقل عبدالله بن محمد بن عماره انصاری ام عامر مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

## جمیله دختر سنان

بن ثعلبة بن عامر بن مجدعة بن چشم بن حارثه، از را عبیدالسهم پسر سلیم بن ضیع بن عامر بن مجدعة بن چشم بن حارثه به همسری گرفت و جمیله ثابت را برای او آورد. جمیله هم مسلمان شده و با حضرت ختمی مرتبت بیعت کرده است.

## عمیره دختر ابو حثمة

نام اصلی ابو حثمة عبدالله و پسر ساعدة بن عامر بن عدی بن چشم بن مجدعة بن حارثه است. مادر عمیره بانویی معروف به ام ربیع و دختر اسلم بن حریش بن عدی بن مجدعة<sup>۲</sup> بن حارثه است، عمیره را یزید بن اُسَید بن ساعدة بن عامر بن عدی بن چشم بن مجدعة بن حارثه به همسری گرفت و پس از او یزید بن بَرذَع بن زید بن عامر بن سواد بن ظفر او را به همسری گرفت، عمیره هم مسلمان شده و با رسول خدا بیعت کرده است.

۱. ملاحظه می کنید که بیشتر ازدوجها دخترعموها و پسرعموها هستند.

۲. هرچند در تمام نسخه ها همینگونه است، ولی بدون تردید عدی بن جُشم بن مجدعه صحیح است.

## أم سهیل

خواهر پدری عمیره است، مادرش حجت دختر عمیر بن عقبه بن عمرو بن عدی بن زید بن چشم بن حارثه است، ام سهیل را یزید بن براء بن عازب بن حارث بن عدی بن چشم بن مجدعه به همسری گرفت و برای او پسری به نام مخلد آورد. ام سهیل مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

## امیمه

خواهر پدر و مادری ام سهیل است. او را هلال بن حارث بن ربیعه بن منقذ بن عقیف به همسری گرفت و پس از او ابوسندر بن حصین بن بجاد اسلمی با امیمه ازدواج کرد. امیمه هم مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

## عمیره دختر سعد

بن عامر بن عدی بن چشم بن مجدعه بن حارثه، مادرش أم عامر دختر سلیم بن ضبع بن عامر بن مجدعه بن چشم بن حارثه است. او را کباثه پسر اوس بن قیظی بن عمرو بن زید بن چشم بن حارثه به همسری گرفته است، عمیره مسلمان شده و با پیامبر بیعت کرده است.

## وقصاء

دختر مسعود بن عامر بن عدی بن چشم بن مجدعه بن حارثه، مادرش کبشه دختر اوس بن عدی بن امیه بن عامر بن خطمه است، و خطمه همان عبدالله بن چشم بن مالک بن اوس است، و قصاء را نعمان بن مالک بن عامر بن مجدعه بن چشم بن حارثه به همسری گرفت، و قصاء مسلمان شد و با رسول خدا بیعت کرد.



## نوار

دختر قیس بن حارث بن عدی بن چشم بن مجدعة بن حارثه است، کنیه پدرش قیس برگرفته از نام همین دختر اوست، او را زید بن نویره بن حارث بن عدی بن چشم بن مجدعة بن حارثه به همسری گرفت که برای او پسری به نام عازب آورد، نوار مسلمان شده و با رسول خدا بیعت کرده است.

## أم عبدالله

دختر عازب بن حارث بن عامر بن چشم بن مجدعة بن حارثه و خواهر پدر و مادری براء بن عازب است. مادرشان أم حبیبه دختر ابو حبیبه بن حباب بن انس بن زید از خاندان مالک بن نجار است و گفته اند مادرشان ام خالد دختر ثابت بن سنان بن عبید بن ابجر بوده است و این ابجر همان خدره است. ام عبدالله مسلمان شده و با پیامبر (ص) بیعت کرده است.

## أم عبس دختر مسلمة

بن سلمة بن خالد بن عدی بن مجدعة بن حارثه، مادرش ام سهم است که نام اصلی او خلیدة و دختر ابو عبید بن وهب بن لوزان بن عبدود بن زید بن ثعلبة بن خزرج بن ساعدة است، او خواهر پدری و مادری محمد و محمود پسران مسلمة است. ام عبس را ابو عبس بن جبر بن عمرو بن زید بن چشم بن حارثه به همسری گرفته است که برای او فرزند هم آورده است، ام عبس مسلمان شده و با پیامبر (ص) بیعت کرده است.

## هند دختر محمود

بن مسلمة بن سلمة بن خالد بن عدی بن مجدعة بن حارثه است، مادرش شمس دختر عمرو بن حرام بن ثعلبه از دودمان سلمه است، هند را عمرو بن سعد بن معاذ بن نعمان بن